

ایران ضعیف، خواسته چین و روسیه

در واقعه اوش بین ازبک‌ها و قرقیزها که موجب کشته‌شدن تعداد زیادی از مردم در این حادثه شد، سازمان موضع منفعلانه‌ای در پیش گرفت. دخالت روسیه در وقایع سال ۲۰۰۸ در حمایت از جدایی‌طلبان آبخاز و اوست (در قلمرو حاکمیتی جمهوری گرجستان) در دو واحد اداری آبخازیا و اوستیای جنوبی در گرجستان و اشغال نظامی و سپس اعلام استقلال و برقراری روابط دیپلماتیک از سوی روسیه با سکوت دیگر اعضا مواجه شد. در حالی که از دیگر اهداف سازمان مبارزه با جدایی‌طلبی است. در اینجا روسیه به جدایی‌طلبان گرجستان یاری رسانده و آنها را در رسیدن به استقلال کمک نظامی و سیاسی کرده است. در سال ۲۰۱۴ اشغال شبه‌جزیره کریمه از اوکراین و انضمام آن به خاک روسیه خلاف مشی سازمان شانگهای است که مبارزه با جدایی‌طلبی را سرلوحه خود قرار داده است.

روسیه در برابر تحریم‌های غرب بعد از اشغال نظامی شبه‌جزیره کریمه در قلمرو حاکمیتی جمهوری اوکراین، به دنبال یافتن بازاری مطمئن و امن برای انرژی خود بوده است. قرارداد فروش گاز طبیعی از منابع سیبری در شرق روسیه به چین به مبلغ ۴۰۰ میلیارد دلار طی ۳۰ سال، موجب خرسندی روسیه است ولی بهای این گاز صادراتی در این مدت از طریق خرید کالا از بازار چین پرداخت خواهد شد. این نوع تجارت روسیه را به پمپ‌بازین چین و بازار کالاهای چینی تبدیل خواهد کرد.

دو عضو بسیار ضعیف و کم‌انثری مانند قرقیزستان و تاجیکستان که دارای رای برابر با چین و روسیه و هند و پاکستان (اعضای دیگر سازمان) هستند، نمی‌توانند رای مستقلی داشته باشند و حتی ممکن است مانند تاجیکستان رای آنها برای مواردی خاص جهت لاپوشانی برخی جریان‌های موجود، صادره شود.

قرارگرفتن دولت قدرتمندی همچون ایران در این سازمان در کنار این دو کشور کوچک آسیای مرکزی و پاکستانی که امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند، چه منافعی برای ایران دارد؟ در صورت قدرت‌مند تأثیرگذار در شانگهای هم بعید است که منافع ایران را در نظر بگیرد و از جمله شرکایی است که بیشترین سهم را برای خود در نظر می‌گیرد و در غیر این صورت از بازی کنار می‌رود. در دوره تحریم‌های شورای امنیت بر سر مسئله هسته‌ای در دست در دوره‌ای که ایران از سوی غرب تهدید به حمله نظامی می‌شد و ایران نیازمند دسترسی به سامانه دفاع موشکی اس-۳۰۰ بود، روسیه در تحویل آن تعلل می‌کرد. چندین بار زلزله‌ای روس تاریخ حمله نظامی آمریکا علیه ایران را پیش‌بینی کرده بودند، درعین‌حال سامانه اس-۳۰۰ را که پل توان را هم دریافت کرده بودند، تحویل نمی‌دادند.

چین در دوره تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران که خود یکی از رای‌دهندگان اصلی عضو با حق وتو بود، از نفت ارزان‌قیمت ایران بهره‌مند شد. این چه نوع سازمانی است که منافع یکدیگر را در نظر نمی‌گیرد؟

ایران با واقع‌شدن در جبهه جنوبی قلمرو شانگهای، با دراختیارداشتن شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای بسیار مناسب در همه جهات شرقی- غربی و شمالی- جنوبی و با دراختیارداشتن بنادری به ظرفیت بیش از ۲۰۰ میلیون تن در خلیج فارس و دریای عمان، کلیدی‌ترین موقعیت را برای ارتباط قلمرو محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد. چین در ابتکار کمربندی یک راه می‌تواند از قلمرو ایران بهره گیرد و از مسیر باستانی جاده ابریشم و ازطریق بین‌النهرین و شامات به اروپا و شرق مدیترانه دسترسی داشته باشد. ایران قوی‌ترین ارتش را در منطقه دارد و از نظر منابع انسانی و ترکیب جمعیت در حد مطلوبی قرار دارد. در زمینه علم و تکنولوژی ایران در همه بخش‌ها تجربیات ارزشمندی دارد که از سلول‌های بنیادی تا پیوند اعضای بدن، بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی و ماشین‌سازی تا کشاورزی پیشرفته و تکنولوژی هسته‌ای تا بالستیک و ماهواره، پیشرفته‌هایی داشته است که می‌تواند در صورت ضرورت در شانگهای با دیگر اعضا تجربیات خود را مبادله کند. ایران نیاز به بهره‌گیری از امکانات شانگهای ندارد، زیرا خود به آب‌های آزاد و شبکه‌های ارتباطی دسترسی دارد. این شانگهای است که به ایران نیاز خواهد داشت.

ایران نباید مانند ترکیه پشت دروازه‌های عضویت در اتحادیه اروپا منتظر بماند. سیاست خارجی ایران برمنبای «نه شرقی، نه غربی» استوار است، نزدیکی بیش از اندازه به شرق به همان اندازه نزدیکی به غرب برای ایران زیان‌بار است. ایران از نظر بهره‌مندی از منابع اثبات‌شده گاز طبیعی مقام اول جهان را دارد. ایران در شانگهای نمی‌تواند در کنار روسیه در زمینه گاز عرض انضمام کند، چراکه ایران در اویاست که هم به گاز ایران نیاز دارد و هم سرمایه و تکنولوژی دارد که ایران نیازمند به آن است. روسیه ایران را از حضور در بازار اروپا دور می‌کند تا خود یکه‌تاز عرصه فروش گاز طبیعی و استفاده از آن به‌عنوان ابزار تحمیل اراده سیاسی خود باشد. مادامی که ایران در ساختارهای وابسته تحت نفوذ مستقیم روسیه، مانند شانگهای، امنیت دسته‌جمعی و اتحادیه اوراسیایی باشد، از دسترسی به تکنولوژی‌های پیشرفته، سرمایه‌گذاری خارجی و ادغام در ساختارهای تأثیرگذار اقتصادی-سیاسی جهانی دور خواهد ماند. امپراتوری‌های قاره‌ای از امپراتوری‌های اقیانوسی کم‌خطرتر نیستند.

شرق: درحالی‌که دلار در بازار در محدوده قیمتی هفت‌هزارو ۸۰ تومان خریدوفروش می‌شود، آن‌طرف میدان، دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی مشکلاتی را به‌همراه آورده است؛ آن‌گونه که چندی پیش نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین درگفت‌وگو با فارس اعلام کرده بود که تخصیص ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی به ۱۲ هزار واردکننده، رانت صدهزار میلیاردتومانی را برای آنها به دنبال داشته است. افزون‌براین، به گفته رئیس کنفدراسیون صادرات ایران، تخصیص بدون محدودیت دلار تک‌نرخ‌ی چهارهزارو ۲۰۰ تومانی از سوی دولت، در مدت کمتر از دو ماه، به میزان ۲۰ میلیارد دلار ثبت سفارش را به دنبال داشت که تقریباً یک‌پنجم صادرات نفتی و غیرنفتی کشور را دربر می‌گرفت. حالا خبرها حاکی از آن است که دولت به دنبال تخصیص نرخ جدید را به‌صورت توافقی با صادرکنندگان است تا از این طریق بتواند بازار غیررسمی ارزی را هم متعادل کند، این در حالی است که اخباری از سوی بانک مرکزی برای این نرخ سوم به گوش نمی‌رسد.

نرخ سوم به تصویب هیئت وزیران رسید

محمدرضا مودودی، قائممقام رئیس سازمان توسعه تجارت، در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به ورود نرخ جدید ارز می‌گوید: مصوبه هیئت وزیران که ابلاغ هم شده، آن است که ارز ناشی از صادرات را در سه بخش باید هزینه کنیم. درخصوص صادرات ناشی از نفت خام، می‌توانیم اقلامی را وارد کنیم که کالاهای اساسی و ضروری هستند. درخصوص گروه دوم، واحدهای تولیدی، دولتی، شبه‌دولتی یا وابسته به نهادهای عمومی هستند که بخش عمده صادرات توسط این واحدها انجام می‌گیرد، ارز خود را باید از طریق سامانه نیما اعلام کنند و از آنها صرف واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات، تجهیزات و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌شود. بخش سوم، صادرکنندگان بخش صادرات خصوصی است که اگر بخواهند وارداتی انجام دهند، محصولات مصرفی مهم و ضروریات می‌توانند در اختیار این بخش قرار بگیرند.

او با بیان اینکه این بخش از طریق سامانه نیما اعلام نمی‌شود، می‌افزاید: آنها می‌توانند اظهارنامه خود را در اختیار یک واردکننده قرار دهند و بر اساس میزان ارز اعلام‌شده در محموله صادراتی خود بر اساس برگه اظهارنامه یا پروانه صادراتی می‌توانند کالا وارد کنند، اما اینکه این اظهارنامه‌ها را با چه نرخ‌ی با یکدیگر معامله کنند، بحثی است که دولت وارد آن نمی‌شود و بستگی به تقاضا و عرضه دارد. به گفته او، رازینی‌ها برای اعلام بازار دوم ادامه دارد و می‌خواهند برای آنها هم رقمی اعلام کنند، اما مهر تأییدی بر بازار دوم نداریم. آنچه اکنون بر آن تأکید داریم نرخ رسمی است که دولت اعلام کرده.

بازی نهاده‌ها با دلار

وقتی او دربارہ شائبه ورود ارز شش‌هزارو ۵۰۰ تومانی به بازار می‌پرسم، می‌گوید: ما نمی‌دانیم دلار شش‌هزارو ۵۰۰ تومانی که مطرح می‌کنند، واقعیت ارزش با دلار است یا خیر؛ زیرا بخش عمده‌ای از نقدینگی که اکنون در اختیار بخش خصوصی است، دست مجموعه‌ها و نهادهایی است که فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهند و شفاف نیست و آنها با این نقدینگی که حدود هزارو ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است، بازی می‌کنند. بنابراین آنها به دنبال آن هستند که نرخ بازار دوم مطرح شود تا جو متشنج شود، اگرنه وقتی صادرات نفتی و غیرنفتی مجموعاً بیشتر از واردات است و نیازهای داخل را می‌توانیم تأمین کنیم، دلیل آنکه می‌گویند به‌یک‌بار نرخ ارز را بیش‌ش تا هشت هزار تومان مشخص کنیم، چیست؟ این کار دلالاتی است که از فضای

اقتصاد

مصوبه هیئت وزیران به‌زودی عملیاتی می‌شود

نرخ جدید دلار در راه است؟



دلار

ایجادشده به نفع خود استفاده کرده و از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند. او در قالب توصیه‌ای خطاب به صادرکنندگان واقعی می‌گوید: وقتی واردات را با نرخ ارز گران‌تر انجام دهیم، با وارد چرخه تولید می‌شود یا چرخه مصرف. در هر دو حالت، موجب افزایش قیمت تمام‌شده کالا یا برهم‌خوردن تعادل می‌شود. این چرخه دوباره به سمت صادرکننده برمی‌گردد و او باید کالایی را صادر کند که با قیمت تمام‌شده بالاتر تولید شده است. بنابراین اینکه بخش صادرکننده ما به این فکر باشد که زمان خوبی برای جدی‌گرفتن مایه‌التفاوت است، باید هزینه آن را نیز خود بپردازد. وقتی گران‌تر می‌شوند، قدرت رقابت آنها کاهش یافته و در نتیجه صادرات آنها افت می‌کند. دولت دلوایس کامل‌شدن این چرخه باطلی است که در حال شکل‌گیری است. درحالی‌که باید صادرکنندگان از نرخ رسمی حمایت و همین را هدایت کنند تا در نهایت منافع آنها در چرخش مدام این چرخه اقتصادی (خرید، تولید و فروش) استمرار داشته باشد. اگر بگوییم یک‌طرف ماجرا فقط به سود لحظه‌ای در وهله اول فکر کنیم؛ در چرخه دوم به مشکل جدی برمی‌خوریم که زبانش از کوتاه‌مدت بیشتر خواهد بود.

۲۰میلیارد دلار ثبت سفارش در کمتر از ۲ ماه

محمد لاهوتی، رئیس کنفدراسیون صادرات ایران، هم در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: تخصیص ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، آن‌قدر با تقاضای بالایی روبه‌رو شد که دولت باید برای آن فکری می‌کرد. بخش خصوصی هم بارها به دولت نامه نوشته بودند که تخصیص این ارز را اولویت‌بندی کند، زیرا تفاوت ارز اعلام‌شده با ارز بازار غیررسمی از ۵۰ درصد هم بالاتر رفته بود و عملاً برای واردات کالا انگیزه ایجاد می‌کرد.

از آنجا که دولت ارز تک‌نرخ‌ی اعلام کرده بود و می‌خواست آن را حفظ کند، به‌راحتی نمی‌پذیرفت که برای تخصیص آن محدودیت ایجاد کند، اما وقتی تقاضاهای برای ثبت سفارش تا ۲۰ میلیارد دلار در مدت کمتر از دو ماه رسید، معلوم بود که اگر این روند ادامه پیدا کند، عملاً مجوزی برای واردات با ارز تخصیصی خواهد بود، اما عملاً دولت توان تخصیص این میزان ارز را نداشت. او در بیان چرایی این ادعا می‌افزاید: مجموع صادرات نفتی و غیرنفتی ما زیر صد میلیارد دلار است، اما اگر این تقاضا اختصاص پیدا می‌کرد و ارز هم تخصیص می‌یافت، پیش‌بینی‌ها این بود که تا پایان سال واردات به ۹۰ میلیارد دلار برسد که به معنای زمین‌بردن ماسه ارزی دولت بود.

تصمیم دولت برای تعیین نرخ سوم

رئیس کنفدراسیون صادرات با بیان اینکه گرچه هنوز مصوبه‌اش اعلام

مرکزی نظارت لازم را اعمال نکرده است؟ یکی از

تخلفات بارز این مؤسسات نرخ بالای سود سپرده بوده که این‌موضوع رقابت را در نظام بانکی کشور به هم زده و یک فضای غیررقابتی سودجویانه را ایجاد کرده بود و هیچ برخوردی با آن نشد. حتی یک نفر از مدیران ارشد این مؤسسات سابقه بالای ۱۰ سال مدیریت بانکی را در کارنامه خود نداشته‌اند، چرا بانک مرکزی به این افراد اجازه فعالیت داد؟ به گفته توکلی اسنادی وجود دارد که آشکار می‌کند کاسپین مبلغی بیش از ۲۰ میلیارد تومان نزد فرشتگان سپرده دارد و سود این سپرده را برای مدت کمتر از چهار ماه ۱۱۲ میلیون تومان نشان می‌دهد و این در حالی است که بنا بود تعاونی فرشتگان منحل شود و با انتقال دارایی‌ها و تعهدگش به کاسپین در آن ادغام شود.

به گفته توکلی براساس گزارش حسابرسی رسمی از دوره مالی سه‌ماهو ۲۷ روزه منتهی به ۲۹ اسفند ۹۴ آرمان ایرانیان یا همان کاسپین، ۳۳۹ میلیون تومان، علیرض‌پ، ۲۳۷ میلیون تومان، مرتضی ع، ۲۰۰ میلیون تومان، علی‌ا، ۲۰۰ میلیون تومان، امید، پ، ۱۸۰ میلیون تومان، غلامحسین، م، ۱۱۰ میلیون تومان، فرید، ض ۱۰۵ میلیون تومان و سایر کارکنان جمعا ۲۹۵ میلیون تومان تحت عنوان حق‌الزحمه هیئت مؤسس و اجرایی، حق حضور در جلسات و حقوق و مزایای مربوط به مدیرعامل، اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ارشد دریافت کرده‌اند. این اگر چپاول نیست پس چیست؟ اینکه آقای دزکریا به‌تنبهتایی نزدیک به دو هزار برابر متوسط دریافتی هرکدام از کارکنان این

تخریب سرزمین در ۲۵ سال آینده ۳۰ درصد قیمت غذا را افزایش می‌دهد

۹۵ میلیون هکتار از اراضی ایران در معرض بیابانی‌شدن

داشته شد. کارشناسان منابع طبیعی در استان خوزستان به‌عنوان یکی از استان‌هایی که دو سال پیش مردمش با کوشت و پوست خود تبعات بیابانی‌شدن را درک کردند، گرد هم جمع شدند. همین دو سال پیش بود که گردوغبار که یکی از تبعات بیابانی‌شدن است، زمینه قطع‌شدن آب و برق این استان را فراهم کرد و همه اعضای دولت دست به دست هم دادند تا با اجرای برنامه‌های نهال‌کاری و اختصاص بودجه، جلوی اثرات مخرب ریزگردها را بگیرند. بخش عمده سخنان سخنرانان مراسم روز جهانی بیابان‌زدایی هم به این مسئله اختصاص داشت. حتی آمارهای نگران‌کننده ارائه‌شده از سوی راثو ماتا، نماینده قانون نیز نتوانست از ارائه عملکرد جنک‌کاری در اراضی خوزستان توسط سایر سخنرانان جلوگیری کند. نماینده قانون در ایران اعلام کرد: تحقیقات نشان می‌دهد در سطحی جهانی، چنانچه در ۲۵ سال آینده تخریب سرزمین با روند کنونی ادامه یابد، به میزان ۱۲ درصد تولیدات

نشده، می‌افزاید: به نظر می‌رسد دولت تصمیم گرفته ارز چهارهزارو ۲۰۰تومانی را برای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تخصیص دهد و ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی سوبسیددار تا سه‌هزارو ۸۰۰ تومان را برای دارو و کالاهای اساسی تخصیص دهد. اولویت سوم که ارز مخصوص کالاهای مصرفی و ساخته‌شده و احیاناً کالاهای لوکس مانند خودرو و لوازم خانگی هستند نیز از محل صادرات غیرنفتی به‌صورت توافقی با صادرکنندگان تخصیص می‌یابد. این نرخ، توافقی است و می‌تواند متناسب با عرضه و تقاضا هر رقمی باشد.

ارز غیررسمی متعادل می‌شود

به گفته او، اگر این مصوبه زودتر ابلاغ و اجرایی شود، نرخ بازار ثانویه را کاهش می‌دهد و بازار را متعادل می‌کند. نه اینکه قیمت به قیمت‌های رسمی نزدیک شود، اما قیمت‌ها قطعاً متعادل‌تر می‌شود. این فعال اقتصادی توضیح می‌دهد: این را هم باید در نظر بگیریم که کشور در شرایطی است که تحریم‌های جدید بر آن اعمال خواهد شد و محدودیت‌هایی ایجاد خواهد شد و به همین دلیل خرج‌کردن هر یک دلار هم باید با برنامه انجام بگیرد. به نظر می‌رسد دولت بالاخره این تصمیم را گرفته که به به این روند سروسامانی دهد.

بانک‌ها از تخصیص نمی‌دهند

به گفته او، بر اساس شنیده‌ها برای تخصیص ارز کالاهای مصرفی، اگر ثبت سفارش هم شود، بانک‌ها از تخصیص نمی‌دهند و اعلام می‌کنند. این موضوع، احتمالاً تا آخر هفته به تصویب هیئت دولت برسد و اجرایی شود. او در ادامه تصریح می‌کند: نرخ توافقی فقط مربوط به ۲۰ درصد ارز حاصل از صادرات خارج از سامانه‌ها نیما می‌شود که حدود ۱۰ میلیارد دلار است که واردات کالاهای ساخته‌شده و غیرضرور نیز همین حدود است. در کالاهای اساسی و تولیدی که قیمت تمام‌شده مصرف را برای مصرف‌کننده افزایش می‌دهد، امکان‌ها همان ارز چهارهزارو ۲۰۰ و سه‌هزارو ۸۰۰ تومان در نظر گرفته می‌شود. این نرخ توافقی یک‌طرف کالاهاست که هم موجب تشویق صادرات می‌شود و هم از طرف دیگر، جذابیت واردات را از بین می‌برد و به نوعی واردات محدود می‌شود و حمایت تولید داخل هم از این طریق حاصل می‌شود.

بانک مرکزی ۸میلیاردو ۲۲۰ میلیون دلار تأمین ارز کرد

بر اساس آمار و داده‌هایی که از تاریخ ۲۱ فروردین امسال تا ۲۷ خرداد از تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی در اختیار «شرق» قرار گرفته، تاکنون در مجموع ۱۶میلیاردو ۷۰۰ میلیون دلار به کالاهایی که ثبت سفارش شده‌اند، معادل دلاری تخصیص داده شده است که از این رقم، هشت‌میلیاردو ۷۲۰میلیون دلار تأمین ارز شده است. کریمی، سخنگوی بانک مرکزی، با بیان این ارقام، به «شرق» می‌گوید: از ۱۶میلیاردو ۷۰۰ میلیون دلار، سه‌میلیاردو ۱۳۳میلیون دلار ارز به کالاهای اساسی تخصیص داده شده که از این مقدار، یک‌میلیاردو ۸۲۲ میلیون دلار تأمین ارز شده است. در همین دوره زمانی برای دارو، ۹۲۰ میلیون دلار ارز تخصیص داده شده که از این مقدار، ۶۵۴ میلیون دلار تأمین شده است. او در ادامه می‌افزاید: ۱۹۳ میلیون دلار برای ارز مسافرتی که معادل ۱۶۳ میلیون یورو است، اختصاص داده شده است. همچنین در صرف‌ف ارزهای خدماتی (غیر از ارز مسافرتی) که شامل ارزهای دانشگاهی، فرصت‌های مطالعاتی، درمانی و سایر موارد خدماتی است، ۱۵۹٫۸ میلیون دلار ارز معادل ۱۳۲٫۸میلیون یورو اختصاص داده شده است.

مؤسسه حقوق گرفته است چه معنی‌ای دارد؟

توکلی در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران درباره اینکه چرا صداسوسما تبلیغات این مؤسسات را انجام می‌داد و آیا این‌موضوع به اعتماد جامعه به این‌گونه مؤسسات کمک نکرد؟ پاسخ داد: وقتی بانک مرکزی خودش از صداسوسما چنین درخواستی کرده، صداسوسما چگونه است که سراغ صحت و سلامت این مشتریان برود؟ صداسوسما می‌خواهد آگهی داشته باشد و پول بگیرد. این‌بانک مرکزی است که باید پاسخ بدهد چرا این حمایت را کرده است؟ سپس توکلی نامهای را به خبرنگاران نشان داد که در آن مدیران وقت بانک مرکزی در سال۹۰ در نامه‌ای خطاب به مدیر کل بازرگانی صداسوسما از رسانه ملی خواسته بود تیزر تبلیغاتی مؤسسه مالی و اعتباری ثامن‌الحجج تحت نظارت بانک مرکزی را در برنامه‌های خود تبلیغ و پخش کند. توکلی در پاسخ به این سؤال که سراج، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، گفته مؤسسه دیده‌بان شفافیت و عدالت حق دخالت در امور قضائی را ندارد، گفت: ما یک مؤسسه مردم‌نهاد هستیم و می‌توانیم نسبت به برگزاری تجمعات، داشتن نشریه و حق دادخواهی در مراجع قضائی اقدام کنیم و این کار را هم می‌کنیم. او در پاسخ به این سؤال که رئیس کل بانک مرکزی اقدامات توکلی را جوسازی علیه بانک مرکزی خوانده است نیز گفت: ما توجه مردم را به مسائل کشور جلب می‌کنیم و این اسمش جوسازی نیست بلکه شفاف‌سازی است و ما به این شفاف‌سازی افتخار می‌کنیم.

خاموشی در کمین مردم

ولس بوروکرات‌ها دنبال وصله‌پيله‌کردن اقتصاد برق از راه بودجه ملی هستند؛ دخالت این بوروکرات‌ها ناشی از تفکر دولتی در تولید برق است. زمانی هم که خصوصی‌سازی برق مطرح می‌شود کاری می‌کنند که تولیدکننده ضرر کند؛ در هنگام تشویق سرمایه‌گذاری در تولید برق با استقلال خوبی از سوی سرمایه‌گذاران غیردولتی مواجه شد، ولسی اکنون که تولید برق خصوصی به حدود یک چهارم مصرف کشور رسیده، سازوکار مالی برق را مجلس و دولت درهم ریخته‌اند و تولیدکننده برق خصوصی را به ورشکستگی کشانده‌اند؛ بنابراین جذب سرمایه داخلی و خارجی برای تولید برق غیرممکن شده است. چون کسی در صنعتی که عوامل تولید بازپرداخت نمی‌شوند سرمایه‌گذاری نمی‌کند. می‌دانیم ماهیت صنعت برق در این است که هیچ نوع ذخیره‌ای از تولید تا مصرف برای آن متصور نیست. همه برقی که تولید می‌شود در همان لحظه مصرف می‌شود؛ بنابراین برق کالایی چندوجهی است. در زمان اوج مصرف کالایی گران و شکننده است، ولی در زمانی که تقاضا به‌طور محسوس پایین‌تر از تولید است، باید دنبال مشتری گشت. برای حل این رویکرد باید قیمت برق فصلی، منطقه‌ای و نقطه‌ای باشد. پیشنهاد می‌کنم قیمت برق در تهران بزرگ و استان‌های گرمسیری و شرجی‌دار شمالی از نیمه خرداد تا نیمه شهریور که نیاز سرمایشی بالاست، به‌طور محسوس بالاتر از متوسط قیمت سالانه باشد. این تفاوت قیمت باید چنان باشد که تقاضا را اداره کند. به‌طوری‌که حساسیت و گسترش قیمتی مصرف موجب کاهش میل به مصرف و تشویق به صرفه‌جویی شود. البته درباره چنین سیاستی باید توجه و تبلیغات گسترده و کافی انجام شود. کام مهم مکمل، مدیریت تولید برق است. خوشبختانه ایران شبکه ملی برق تقریباً کاملی دارد که یک سرمایه ملی است. ابتدا باید به این شبکه توجه ویژه کرد و هزینه آن را از بودجه دولتی جدا کرد و در هزینه- قایده از نقطه تولید تا محل مصرف مخارج سرمایه‌ای و جاری آن را منظور کرد و به‌صورت یک کار اقتصادی به بازگشت هم‌زمان با دریافت وجهه مصرف‌کنندگان به حساب آنها واریز شود. واریز بهای برق به حساب خزانه کار اشتباهی است که متأسفانه بوروکراسی سازمان برنامه از آن دفاع می‌کند؛ بنابراین برداشت از حساب برق برای پرداخت یارانه نقدی مساوی با دعوت برای ایجاد بحران برق است. بحران برق یعنی خاموشی که پیامدهایی به دنبال خواهد داشت. حتی در آمریکا در زمان خاموشی‌های چند سال پیش به‌ویژه در شهرهای بزرگ مثل سن آنتجلس و نیویورک پیامدهایی رخ داده است. درصورتی‌که سیاست اقتصاد برق از وضعیت بحران‌زا خارج شود، بورس برق هم می‌تواند واقعی شود، به‌طوری‌که پیش‌فروش برق به جذب سرمایه در تولید برق بینجامد. این روند، لزوم مدیریت اوج مصرف را یادآوری می‌کند. برای برآوردن تقاضا در ساعات اوج باید سالانه حدود چهار میلیارد دلار به‌اضافه ۱۲ هزار میلیارد تومان در تولید برق سرمایه‌گذاری کرد، زیرا ما در صنایع تولید تجهیزات برق خودکفایی بالایی داریم و این سرمایه‌گذاری موجب رونق کسب‌وکار در صنایع برق می‌شود که اثری شگرف در اشتغال، فناوری و تولید ملی دارد. سرمایه‌گذاری برای تأمین تقاضای برق در ساعت‌های اوج مصرف فقط حدود ۵۰۰ ساعت در سال به کارگرفته می‌شود. بنابراین برق آن بسیار گران تمام می‌شود، ازاین‌رو باید کاری کرد که هزینه ساعت‌های اوج با دیگران تقسیم شود. مدیریت شبکه‌ای برق را باید با هسلایگان و شبکه‌های کشورهای دیگر متصل کرد تا در اوج مصرف فصلی و اوج مصرف شبانه‌روزی، فشار از روی شبکه ملی کاهش یابد؛ برای مثال اوج مصرف در روسیه و کشورهای سردسیر شمال اروپا فصل زمستان است. در صورت اتصال شبکه ملی به این کشورها می‌توان در تابستان که آنها از ظرفیت کامل خود استفاده نمی‌کنند، برق وارد کرد و در زمستان به آنها برق فروخت. در این مبادله حدود ۵۰۰ ساعت در سال به تولید هر طرف اضافه می‌شود و کاریز سرمایه ۱۰ درصد افزایش می‌یابد. در نتیجه قیمت تمام‌شده واحد برق (کیلووات ساعت) برای هر دو طرف کاهش می‌یابد. این اتصال شبکه‌ای در نهایت موجب کاهش هزینه هر کیلووات ساعت برای مصرف‌کننده در کشورهای شرکت‌کننده در اتصال شبکه‌ای می‌شود و سرمایه در صنعت برق برای طرفین پربازده‌تر می‌شود که نتیجه آن جذب‌ترشد سرمایه‌گذاری در تولید و صنایع برق است. در صورت اعمال چنین سیاست‌هایی در عرضه و تقاضاست که کشور از بحران قریب‌الوقوع کاستی برق نجات می‌یابد. ایران کشوری با همسایه‌های متعدد است و پازلن برقی بین آسیای مرکزی، کشورهای همسایه غربی، قفقاز، اوکراین و اتحادیه اروپایی کم نیست جغرافیایی است. مبادا برق با مجموعه این کشور سالانه ۱۵ تا ۲۰میلیارد یورو خریدوفروش برق برای ایران به اربغان آورد که خونی تازه در صنایع کشور هم جاری می‌کند. درباره برق، رویه‌ای اشتباه وجود دارد که موجب می‌شود سرمایه‌گذاری کافی در برق انجام نشود. در کشوری که پول تولیدکننده برق، تقدیم بارانه‌نقدی‌بگیرها می‌شود، برق کافی تولید نمی‌شود. بدیهی است در صنعت برق، این تعابن را مجلس و بوروکرات‌ها می‌آفرینند که دست‌بردن به برق‌بها را مجاز می‌دارند و بر این اشتباه پای می‌فشرد.

*** رئیس کمیسیون انرژی اتاق صنایع، معادن و بازرگانی ایران**